

نقش معنویت و روحیه جهادی در حوزه سیاست و اجتماع

سید جمال الدین میرمحمدی^۱، کریم عبدالملکی^۲ و نبی اله جواهری^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۲۵

چکیده

ایمان به خدا و اعتقاد راسخ و پایداری در راه حق که از آن به عنوان معنویت نام می‌بریم، عامل اصلی در تقویت روحیه جهادی و پیروزی انبیاء و اولیای الهی در طول تاریخ بشر بوده و بر این اساس، عمق بخشی به ایمان و تحکیم پایه‌های اعتقادی بر بنیان‌های دانش و بینش صحیح و یقینی و ایجاد بسترهای لازم به منظور ایستادگی و پایداری و تقویت روحیه جهادی در مسیر حق، رهیافت اصلی برای موفقیت در کارهای سخت خواهد بود؛ رهیافتی که صحت و روایی آن در آزمون‌های بزرگی در طول تاریخ تقابل همیشگی حق و باطل به اثبات رسیده است. انسان در سایه تقویت معنویت قادر به فتح قلل رفیع و دشوار سعادت و کمال نهایی خواهد بود. قطعاً نقش معنویت در جهاد انبیاء و اولیای الهی با گروه کافران و مشرکان و منافقان بویژه در غزوات و سرایای تحت فرماندهی رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، پیروزی اعجازگونه انقلاب اسلامی و ایستادگی ملت مسلمان ایران در هشت سال دفاع مقدس بر کسی پوشیده نیست و این موفقیت‌ها فقط با افزایش معنویت و تقویت روحیه جهادی در ملت صورت گرفته است. بنابراین میان معنویت و روحیه‌ی جهادی، ارتباط مستقیم وجود دارد و هر چه ایمان و معنویت افزون گردند، چنین روحیه‌ی قوی‌تر خواهد شد تا جایی که همه‌ی انگیزه‌های مادی را تحت تأثیر قرار خواهد داد؛ بنابراین معنویت و روحیه جهادی مانند دو بال پیشرفت و حرکت تکاملی در حوزه سیاست و اجتماع در جامعه اسلامی عمل می‌کند.


کلید واژه‌ها: معنویت، روحیه جهادی، سیاست، اجتماع.

استناد فارسی (شیوه APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰): سید جمال الدین؛ کریم عبدالملکی و نبی اله جواهری (۱۳۹۹، تابستان). «نقش معنویت و روحیه جهادی در حوزه سیاست و اجتماع». *پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه*، سال سوم، شماره دوم. صص ۶۴-۳۷.

^۱ استادیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شهید محلاتی، قم، ایران.

^۲ استادیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شهید محلاتی، قم، ایران.

^۳ کارشناسی ارشد معارف اسلامی، دانشگاه شهید محلاتی، قم، ایران. ایمیل: nab.javaheri@chmail.ir

 کپی‌رایت © ۲۰۱۰، ایسک (اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه شیراز). این متن، مقاله‌ای برای دسترسی آزاد است که با توجه به استاندارد بین‌المللی CCA (Creative Commons Attribution) نسخه 4.0 توزیع شده است و به دیگران اجازه می‌دهد این اثر را با رگیری کنند، آن را با دیگران به اشتراک بگذارند و مطالب را اقتباس کنند.

۱. مقدمه

نقشی که ملت ما پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایفا کرد، شگرف و شگفت‌انگیز است؛ زیرا همه‌ی ناشدنی‌ها را شدنی ساخت و ناتوانایی‌ها را به توانایی مبدل ساخت و این امر تنها در پرتو معنویت، اراده همگانی، روحیه جهادی، خدا باورانه و رهبری پیامبرگونه امام راحل رحمت الله علیه و خلف صالحش امام حاضر امت مدظله العالی میسر شد. ملتی که در پی رهبرش به حرکت درآمد و با فرمان رهبرش که فرمود: «همه باهم»، به فرهنگ غلط و نابجای استعماری «نمی‌توانیم» پشت‌پا زد و سازندگی و خدمت و ایثار و پیشرفت اسلامی کشور را وجهه همت خویش ساخت، مشکلات و موانع را یکی پس از دیگری از سر راه برداشت. هرکس در حد خویش، سرمایه و توان فکری علمی و جسمی خود را در طبق اخلاص گذاشت، جملگی منیت‌ها را کنار گذاشتند و همه «ما» شدند و کشور را صحنه، آفرینش شگفتی‌ها و بروز نوآوری‌ها کردند.

سنت الهی بر اساس آیات و روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام چنین رقم خورده است که همه‌ی تحولات سیاسی، اجتماعی، علمی و ... متوقف بر تحول روحی و روانی انسان‌ها و به تعبیر امام خامنه‌ای مدظله العالی روحیه جهادی خواهد بود. و دستیابی به رشد و تکامل مادی و معنوی ثمره شیرین این تحول روحی است که در پرتو ملکه معنویت حاصل می‌گردد و این خود نقش آفرین و منشاء اثر و آثار فراوان خواهد شد، که در بخش‌هایی از نظام مدیریتی کشور خود را نشان داده است. همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب به درستی در دیدار جهادگران دانشگاهی بیان داشتند:

«اگر این روحیه بوجود آمد، خداوند در همه میدان‌ها اعم از مدیریت کشور و مدیریت علمی، سیاسی، اجتماعی و تعاملات جهانی کمک خواهد کرد و راه‌ها را بر روی بندگان خود خواهد گشود» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جهادگران دانشگاهی، در تاریخ ۱۳۹۳/۰۳/۱۹).

به جرأت می‌توان گفت که پس از دوران درخشان صدر اسلام، نه تنها در ایران بلکه در هیچ نقطه‌ای از جهان، هرگز معنویت با روحیه جهادی بدین صورت عمیق، دقیق و گسترده آمیخته با جان و دل مردم نشده بود تا پایه و اساس فرهنگ ملتی را تشکیل دهد، و بخشی از آثار خود را نمایان سازد. البته رسالت حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌هاست که این آثار را مبتنی بر آیات و روایات به‌طور کامل استخراج نموده تا راهنمای جامعه اسلامی به‌ویژه مدیران نظام اسلامی باشد.

۲. مفهوم معنویت و روحیه جهادی

معنویت^۱ از واژه‌های نوظهور است. این واژه دارای معنای گسترده است و هرگونه معناگرایی را شامل می‌گردد. که به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

¹. Spirituality

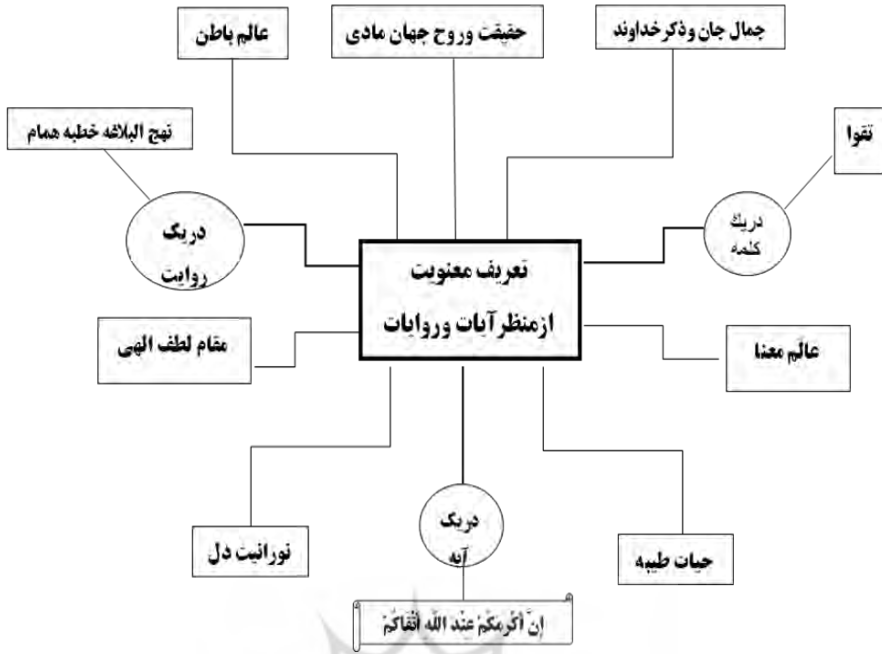
۱- گاه معنویت را در برابر امور مادی به‌کار می‌برند. این کاربرد در تألیفات بسیاری از اندیشمندان اسلامی دیده می‌شود. به‌عنوان مثال استاد شهید مطهری در بحثی تحت عنوان «فقر معنوی» با استفاده از روایتی از امام حسن مجتبی علیه السلام که می‌فرماید: «عجب است از کسانی که درباره مأكولات و خوردنی‌های خود فکر می‌کنند، اما درباره معقولات و یادگرفتنی‌های خود هیچ‌گونه زحمت اندیشه‌ای به خود راه نمی‌دهند.» معنویت را در مقابل هر آنچه مادی نیست مانند فکر و اندیشه به‌کار می‌برد (مطهری، ۱۳۸۳: ۲۴۵ - ۲۳۹). «... به دو جناح مادیت و معنویت ...» (معنویت در برابر مادیت). این استعمال بسیار شایع و عام است (نورانی، بی‌تا: ۵۲۷؛ مصباح یزدی، بی‌تا: ج ۳ / ۷۷ و ۷۸).

۲- گاه معنویت مترادف دین، ارزش‌های دینی و اخلاق به‌کار می‌رود. این کاربرد نیز به شکل وسیعی در ادبیات دینی اندیشمندان مسلمان به‌چشم می‌خورد که به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌کنیم. آیت‌الله مصباح یزدی در «لزوم تقویت معنویات» می‌گوید در سال‌های اولیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی و دوران دفاع مقدس، گرایش جوانان به معنویات و ارزش‌های دینی تا حدی بود که تا سر حد شهادت و جانفشانی از آن‌ها پاسداری می‌کردند (به نقل از عقیقی بخشایشی، بی‌تا: ج ۱۴ / ۱۸۹۸).

۳- برخی دینداری را همان معنویت می‌دانند. تا یک نوع معنویت، تقوا، خداترسی، ایمان به خدا و سرای دیگر در طراحان مجریان و مؤسسان حکومت واحد جهانی به‌وجود نیاید، هیچ‌گاه این طرح‌های خوش‌خط و خال نتیجه بخش نخواهد بود (انگجی، ۱۴۱۳ هـ.ق: ۸۱). مجموعه این صفات (ایمان، تقوا و خداترسی و ایمان به سرای دیگر) یعنی دینداری در این مورد معنویت نامیده شده است.

۴- به‌معنای دینی در مسیحیت گاه به‌معنای ساکن شدن روح القدس در فرد به‌کار می‌رود. بنابراین وقتی گفته می‌شود فردی دارای معنویت است، به این معنی است که به نحوی روح القدس در او و رفتارش تأثیر می‌گذارد. در میان ارباب کلیسا امروزه بسیاری از کسانی که ادعای ارتباط با روح القدس دارند و به‌گونه‌ای ادعای دریافت الهام مستقیم از وی می‌کنند.

۵- واژه معنویت در قرآن و روایات بدین شکل نیامده، ولی با توجه به معنای لغوی آن می‌توان گفت: منظور از آن، عالم باطن و حقیقت و روح جهان مادی و ظاهری است که بهترین واژه‌ی قرآنی نزدیک به آن «حیات طیبه و نور الهی» است. با توجه به آیات و تغییراتی که در آن‌ها آمده، می‌توان معنویت اسلامی را چنین تعریف کرد: حیات طیبه و نورانیت دل از طریق معرفت، ایمان، عمل صالح و بندگی خدا براساس شریعت اسلامی حاصل می‌شود (الهامی‌نیا، ۱۳۹۰: ۲۴-۲۲).



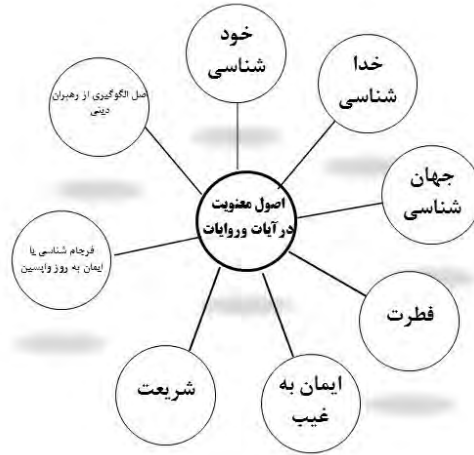
تصویر شماره یک: مفهوم معنویت در قرآن و روایات

واژه روحیه جهادی، ترکیبی از دو واژه روحیه و جهاد می‌باشد که از نظر آیات و روایات به معنای ذیل به کار رفته است:

- ≠ کار برای خدا انجام دادن
- ≠ به صورت خستگی ناپذیر کار را انجام دادن
- ≠ کار را وظیفه‌ی خود دانستن
- ≠ روحیه انقلابی
- ≠ بازبودن تمام راه‌های پیشرفت
- ≠ کار با جدیت و شدت
- ≠ کار بی‌وقفه و خستگی‌ناپذیر
- ≠ عامل رشد و پیش‌رو بودن ملت‌ها
- ≠ بازشدن تمام گره‌ها
- ≠ تحول در تمام مقوله‌های علمی
- ≠ تغییر دادن واقعیت‌ها به سمت آرمان‌ها

۳. اصول و شاخص‌های معنویت از منظر آیات و روایات

ردیف	اصول معنوی	ویژگی اصول معنوی
۱	خودشناسی	<p>≠ شناخت خود، اصل بسیار مهمی است. زیرا بسیاری از بزرگان گفته‌اند معرفت حقیقی نفس از مُحالات است. باید خودرا بشناسیم و ببینیم چه هستیم و کجای این دستگاه هستی و آفرینش قرار داریم.</p> <p>≠ سیر الی الله انسان معنوی با دریافت اصل روح</p>
۲	خداشناسی	<p>≠ از این رو نخستین گام برای رسیدن به معنویت، شناخت درست توحید و شئون آن طبق آموزه‌های الهی انبیاء است. با داشتن چنین معرفتی از خدا و عمل به برنامه‌های دینی، می‌توان شاهد رشد ایمان و تابش انوار الهی در قلب بود. شناخت نادرست از خداوند اگرچه با مجاهدت پی‌گیر همراه گردد اثری جز دوری از حق و گمراهی ندارد.</p> <p>≠ همه اصول معنویت بر خداشناسی استوار است و با آن معنا می‌یابند. قرآن کریم اثبات وجود خدا را بی‌نیاز از دلیل می‌داند و فطرت می‌شمارد.</p> <p>≠ معرفت خدای عزوجل از هر هراسی آرامش و در هرگونه تنهائی یار و هم‌دم و در هر تاریکی چراغ فروزان و از هر ناتوانی نیروبخش و برای هر دردی درمان است.</p>
۳	جهان شناسی	<p>در نگاه انسان الهی، همه هستی محضر خدا است و خداوند به تار و پود آن احاطه دارد. هر موجودی در جهان از مرتبه از درک و آگاهی برخوردار است و خدا را عبادت می‌کند و به تسبیح و ستایش او مشغول است.</p>
۴	فطرت	<p>فطرت ادراکی و احساسی با معرفت به نفس «خود آگاهی» و بازگشت به خویشتن خویش (وصل به اصل خود) شکوفا شده و بارور می‌گردد و رکن رکین و اصل اصیل معنویت قرآنی در «فطرت» تعبیه و تبیین گشته است.</p>
۵	ایمان به غیب	<p>در جهان بینی قرآن، عالم هستی منحصر به آنچه که برای ما محسوس است نیست، بلکه محسوسات یک قشر نازکی از عالم است و قسمت عظیم‌تر در ماورای آن است، آنچه محسوس است «شهادت» و آنچه نامحسوس است «غیب» نامیده شده است. و هرگاه انسان ایمان به غیب پیدا کرد استعدادهای معنوی خویش را شکوفا می‌سازد.</p>
۶	شریعت	<p>قرآن کریم راه حصول معنویت و وصول به قرب و لقاء حضرت حق را همانا در «شریعت‌گرایی» معرفی کرده است.</p>
۷	فرجام شناسی یا ایمان به روز واپسین	<p>طالب معنویت باید از فرجام خویش آگاه باشد تا در هدف‌گذاری گرفتار انحراف نگردد. اگر کسی مرگ را پایان زندگی بداند به معنویت محدود می‌اندیشد و اگر به زندگی پس از مرگ ایمان داشته باشد، نگاه او به معنویت عوض می‌شود؛ یعنی شناخت آینده و فرجام کار آدمی، نقش اساسی در بحث معنویت دارد.</p>
۸	اصل الگوگیری از رهبران دینی	<p>آن معنویت کاذبی که زمینه‌ساز غرور و فخر انسان شود، مورد رضایت پروردگار نیست. خداوند بندگی می‌خواهد. بندگی و عبادت و سلوکی به مانند علی علیه السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام نمونه‌های این بندگی و سلوک را در این زمان در امثال مراجع عظام تقلید به ویژه حضرت امام، آیه‌الله العظمی بهجت، مقام معظم رهبری و ... باید جستجو کنیم.</p>



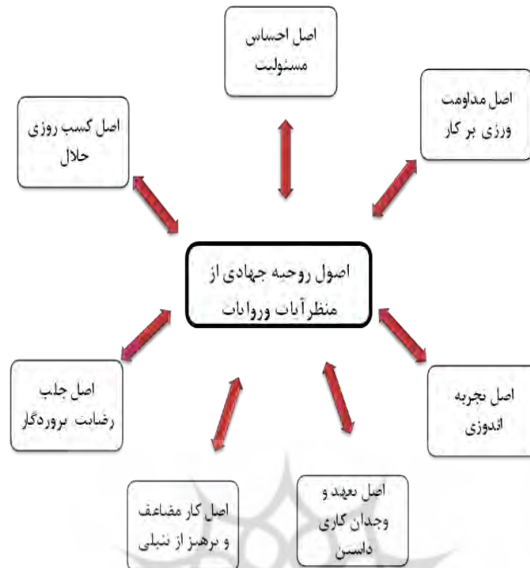
تصویر شماره دو: اصول معنویت در آیات و روایات

شاخص‌های معنوی

ویژگی‌های شاخص	شاخص انسان معنوی	ردیف
<p>≠ تزکیه به معنای آن چه از دست می‌دهد ناراحت نمی‌شود و آن چه که بدست می‌آورد خوشحال نمی‌شود.</p> <p>≠ تزکیه به معنای ترقی دادن خیرات و برکات</p> <p>≠ تزکیه انسان را از رذائل و هرآن چه که غیر خدایی باشد، پاک می‌کند.</p>	تذکیه	۱
<p>≠ تقوا به معنای اجتناب از ترک واجبات و فعل محرمات.</p> <p>≠ تقوا مانع از نفوذ مجدد زشتی‌ها در انسان می‌شود.</p> <p>≠ تقوا انسان را در برابر محرمات، اراده و تصمیم‌های غیر خدایی محافظت می‌کند.</p> <p>≠ تقوا سبب می‌شود تا انسان از گناهان چه کوچک و چه بزرگ پرهیز کند.</p> <p>≠ تقوا باعث انجام واجبات الهی</p> <p>≠ تقوا چیزی نیست جز مراقبت از خویشتن.</p>	تقوا	۲
<p>≠ نزد خداوند مقاماتی است که بدون دعا کسی به آن‌ها نمی‌رسد.</p> <p>≠ دعا اتصال انسان به خداست و کمک خواستن از او در راه سخت.</p> <p>≠ دعا سبب رشد انسان در مسیر تقرب به خداوند متعال می‌گردد.</p> <p>≠ دعا کلید همه‌ی گنجینه‌های خداوند در دست انسان است.</p> <p>≠ دعا هم بلایی که به سوی شما آمده و هم بلایی که نیامده، را دفع می‌نماید.</p> <p>≠ دعا، علاج مشکلات درونی و نفسانی است.</p>	راز و نیاز و دعا	۳

۴	ایمان و عمل صالح	تنها ایمان و عملی می‌تواند موجبات سعادت انسانی را فراهم کند که توأمان و همراه با یکدیگر باشد.
۵	صدق	<p>≠ نازل‌ترین مراتب صدق همان است که قلب با زبان و زبان با قلب مخالفت نکند.</p> <p>≠ صدق یعنی ظاهر و باطنش یکی باشد.</p> <p>≠ صادق نبودن باعث رشد بیماری ریا و سمعه در انسان می‌گردد.</p>
۶	امانت‌داری	<p>≠ امانت‌داری، اموالی که دیگران در اختیار انسان قرار می‌دهند را به صاحبشان برگرداند.</p> <p>≠ امانت‌داری، از منظر دینی، تمام نعمت‌ها و امکاناتی که در اختیار انسان‌ها قرار داده شده نیز به نوعی امانت الهی محسوب می‌گردند.</p> <p>≠ امانت‌داری در قبال نعمت‌های خداوند به این معناست که انسان به بهترین نحو از آنان استفاده کرده و آن‌ها در مسیر دست‌یابی به اهداف و اغراضی که خداوند در قبال دادن آن‌ها به انسان برایش تعیین نموده است، به کار ببندد.</p>
۷	اطاعت کامل از خدا و رسول	<p>≠ اطاعت کامل از خدا و رسول باعث مشمول رحمت الهی قرار گرفتن، می‌گردد.</p> <p>≠ اطاعت کامل از خدا و رسول باعث افزایش تقوای فرد می‌گردد.</p> <p>≠ عدم اطاعت از خدا و رسول باعث گمراهی می‌گردد.</p>
۸	شکرگزاری	<p>≠ شکر به معنای سپاس و ثنای نیکوی خداوند است.</p> <p>≠ شکر نعمت‌های الهی موجب قرب به خدا و پاداش آن بهشت الهی است.</p> <p>≠ شکر نعمت باعث افزایش نعمت می‌شود.</p>
۹	محاسبه نفس	<p>≠ محاسبه نفس، یعنی حسابرسی اعمال و گفتار که توسط انسان معنوی انجام می‌شود.</p> <p>≠ محاسبه نفس باعث می‌شود که فرد به تدریج از گناه فاصله گیرد و حالات معنوی افزایش یابد.</p>
۱۰	خوف و رجاء	<p>≠ خوف و رجاء یعنی آن‌ها نه از غفلت و عذاب الهی ایمن هستند نه از رحمتش مأیوس! بلکه توازن بین بیم و امید در آن‌ها برقرار است و همین دو ضامن تکامل و گرایش آن‌ها به سوی معنویت است.</p> <p>≠ و هر کس را که از مقام پروردگارش بترسد به دو بهشت بشارت داده می‌شود.</p> <p>≠ بنده‌ی مؤمن نیست مگر در دل او دو نور ترس و نور امید باشد.</p>
۱۱	محبت به خدا و معصومین علیهم السلام	<p>≠ محبت به خدا و معصومین علیهم السلام باعث اطاعت آن‌ها می‌گردد و پیروی آنان موجب، اهل صدق، صفا، عبودیت و معنویت می‌گردد و دلش نورانی می‌شود.</p> <p>≠ محبت به معصومین علیهم السلام زمانی سودمند است که با اطاعت خداوند همراه باشد.</p> <p>≠ هر کس معصومین علیهم السلام را دوست داشته باشد، خدا را دوست داشته است.</p> <p>≠ هر کس معصومین علیهم السلام را دوست داشته باشد، سعادت‌مند است.</p> <p>≠ به دوستی معصومین علیهم السلام طاعت و عبادت واجب پذیرفته می‌شود.</p>

۴. اصول و شاخص‌های روحیه جهادی از منظر آیات و روایات



تصویر شماره سه: اصول روحیه جهادی از منظر آیات و روایات



تصویر شماره چهار: شاخص‌های روحیه جهادی از منظر آیات و روایات

۵. نقش معنویت در تقویت روحیه جهادی در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی

ایجاد دگرگونی در روحیه آدمی، از دشوارترین کارهاست. بسیاری از دانشمندان و سیاستمداران بزرگ می‌کوشند با شناخت زوایای روحی انسان، او را به سمتی هدایت کنند که مطلوب آنان است. اما میزان موفقیت آن‌ها در ایجاد این تحول روحی، بسیار اندک است؛ بویژه تحولی که به واسطه‌ی آن، انسانی حاضر شود بدون چشم داشت دنیایی، از مال خود بگذرد، از سلامتی خود چشم‌پوشد، و سرانجام به‌جایی برسد که گرانبهاترین سرمایه‌ی خود، یعنی جان‌ش نیز بگذرد و حتی در این راه از دیگران سبقت بگیرد! از کارکردهای معنویت و روحیه‌ی جهادی، ایجاد تحول روحی مثبت در وجود مؤمنان و جامعه اسلامی است:

«این کار، کاری است الهی، کاری نیست که یک بشر بتواند انجام بدهد. همه بشر هم جمع شوند یک نفر را نمی‌توانند داوطلب مرگ کنند، آن خداست که این کار را کرده» (صحیفه امام، بی‌تا: ج ۱۵ / ۲۱۷ و ۲۱۸).

اما خدا این تحول را در انسان‌هایی ایجاد می‌کند که خود بخواهند و اهل ذکر باشند، آن‌گاه است که رحمت و قدرت الهی و دست‌غیبی به یاری انسان می‌شتابد و او را متحول می‌سازد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

فِي قَوْلِهِ تَعَالَى (وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا): أَيِ النَّاسِ كَلِّهِمْ مُؤْمِنِهِمْ وَمُخَالِفِيهِمْ، أَمَّا الْمُؤْمِنُونَ فَيَسْتَبِطُّ لَهُمْ وَجْهَهُ، وَأَمَّا الْمُخَالِفُونَ فَيُكَلِّمُهُم بِالْمُدَارَاةِ لِاجْتِنَابِهِمْ إِلَى الْإِيمَانِ، فَإِنَّهُ بَأْسَرُ مِنْ ذَلِكَ يَكْفُ شُرُورَهُمْ عَنِ نَفْسِهِ، وَعَنْ إِخْوَانِهِ الْمُؤْمِنِينَ؛ (مرآة العقول، بی‌تا: ج ۹ / ۵).

درباره آیه (و با مردم سخن نیکو گوید) فرمود: مقصود همه مردمان اعم از مؤمن و کافر است. اما با مؤمنان باید گشاده رو بود و اما با کافران باید به نرمی و مدارا سخن گفت، تا به سوی ایمان کشیده شوند و کم‌ترین ثمرش این است که خود و برادران مؤمنش را از گزند آنان مصون می‌دارد. بنابراین مهم‌ترین نقش‌های که معنویت در تقویت روحیه جهادی در حوزه سیاسی-اجتماعی دارد عبارتند از:

۵-۱. عامل عدالت محوری می‌گردد

یکی از نقش‌های معنویت در تقویت روحیه جهادی، عدالت‌خواهی است. عدالت در مفهوم گسترده‌ی اسلامی‌اش به‌معنای ترک گناهان کبیره و عدم اصرار بر صغائر آمده، یا به‌تعبیر دقیق‌تر، آن حالت خداترسی باطنی است که به‌صورت یک ملکه و خصلت در آمده و او را از انجام گناه باز می‌دارد، و سدی میان انسان و گناه می‌کشد. قرآن مجید با صراحت همه‌ی مسلمانان را مخاطب قرار داده، و دعوت به «اقامه‌ی کامل عدل» می‌کند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ
وَالْأَقْرَبِينَ (نساء: ۴) (۱۳۵)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید پیوسته به عدالت قیام کنید و برای خدا گواهی دهید هر چند به زبان خودتان یا [به زبان] پدر و مادر و خویشاوندان [شما] باشد».

به این ترتیب، هر نوع ملاحظه کاری را در زمینه‌ی اجرای اصول عدالت، حتی در مورد نزدیک-ترین نزدیکان، ممنوع می‌شمارد. مسئله‌ی عدالت به قدری مهم است که امیرالمؤمنان علی علیه السلام آن را به عنوان هدف اصلی حکومتش معرفی می‌کند، آن جا که می‌فرماید:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافَسَةً فِي سُلْطَانٍ وَلَا التَّمَّاسَ شَيْءٌ مِنْ فُضُولِ الْحُطَّامِ
وَلَكِنْ لِنَرِدَ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ وَنُظْهِرَ الْأَصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ فَيَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَتَقَامَ
الْمُعْظَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ؛ (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱)

«خدایا تو می‌دانی که آن چه را ما در امر حکومت انجام دادیم نه به خاطر به دست آوردن سلطنت و مقام بود، و نه برای نیل به متاع پست دنیا، بلکه به خاطر این بود که نشانه‌های محو شده‌ی دینت را بازگو گردانیم و اصلاح را در شهرهای تو آشکار کنیم، تا بندگان ستم‌دیده‌ات از ظلم ظالمان ایمن گردند، و حدود و قوانین تعطیل شده‌ات اقامه و اجرا شود».

پیغمبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به تمام ولات و امرا و فرماندهان شدیداً هشدار می‌دهد و می‌-

فرماید:

أَيُّمَا وَالٍ وَكَلِيَ الْأَمْرِ مِنْ بَعْدِي أُقِيمَ عَلَيَّ حَدُّ الصِّرَاطِ وَنَشَرَتِ الْمَلَائِكَةُ صَحِيفَتَهُ فَإِنْ كَانَ عَادِلًا
أَنْجَاهُ اللَّهُ بَعْدِيهِ وَإِنْ كَانَ جَائِرًا انْتَقَضَ بِهِ الصِّرَاطُ حَتَّى تَنْزِيلَ مَفَاصِلُهُ ثُمَّ يَهْوِي إِلَى النَّارِ (شرح
ابن ابی الحدید، بی تا: ج ۷/ ۳۶ و ۳۷)

«هر کس بعد از من ولایت و منصبی را بپذیرد، روز قیامت او را در کنار صراط نگه می‌دارند؛ و فرشتگان نامه‌ی اعمال او را می‌کشایند، اگر عادل بود، خدا او را به برکت عدالتش نجات می‌دهد، و اگر جائر و ظالم بوده، صراط آن چنان فشاری بر او وارد می‌کند که تمام مفاصلش از هم جدا می‌شود، سپس در آتش سرنگون می‌گردد».

بنابراین، معنویت و روحیه‌ی جهادی داشتن مدیر در حوزه سیاست و اجتماع، سبب می‌شود که عدل و داد را در حوزه‌ی مدیریتی خود مراعات کند؛ هر چیزی را در جای خود قرار دهد، نیروها را بر اساس لیاقت و شایستگی در پست‌های سازمانی جای دهد، ضوابط را بر روابط ترجیح دهد، در تقسیم امکانات و امتیازات در میان نیروهای سازمان انصاف را رعایت کند و با هر نوع ظلم و تبعیض برخورد نماید.

سرآغاز عدالت محوری مدیر معنوی این است که او خویشتن را از بند هواهای نفسانی آزاد ساخته و نفس خود را با عدل و داد پروریده است. امام علی علیه السلام یکی از اوصاف محبوب‌ترین بندگان خدا را این گونه برمی‌شمارد:

قَدْ أَلَزَمَ نَفْسَهُ الْعَدْلَ فَكَانَ أَوَّلَ عَدْلِهِ تَقَىُّ الْهُوَى عَنْ نَفْسِهِ (نهج البلاغه، خطبه ۸۷).

«محبوب‌ترین بندگان خدا کسی است که خود را به عدالت واداشته و آغاز عدالتش آن است که هوای نفس را از دل بیرون رانده است».

و در جای دیگر مولا علی علیه السلام می‌فرماید:

عَدْلُ السُّلْطَانِ حَيَاةُ الرَّعِيَّةِ وَصَلَاحُ الْبَرِيَّةِ (شرح غررالحکم، بی‌تا: ج ۴ / ۳۳۶)

«دادگری حاکم، (مساوی با) حیات شهروندان و صلاح مردمان است».

بنابراین عدالت اجتماعی به مفهوم واقعی، بخشی از حاکمیت معنویت محسوب می‌شود که زندگی‌بخش مردم است و یکی از ویژگی‌های جهان‌بینی الهی، عدالت محوری است. در سایه‌ی این نگرش، مدیر جهادی دست رد بر سینه هر تجاوزگر و تکاثرطلبی که قصد تعدی و سلطه‌گری داشته باشد، می‌زند؛ و این نقطه‌ی تلافی و تضاد جهان‌بینی الهی با دیگر جهان‌بینی‌هاست. در طول تاریخ همواره راه حق و اقامه‌کنندگان عدل الهی، با صاحبان قدرت شیطانی در کشمکش و اصطکاک بوده‌اند و بالطبع انقلاب اسلامی نیز که در عصر حاکمیت سرمایه‌داری و قرن صنعت، به دست مصلح بزرگ قرن حضرت امام خمینی رحمت الله علیه ظهور یافت، از این قاعده مستثنی نبوده و از آتش خشم و کینه‌ی نظام سلطه جهانی در امان نماند.

۵-۲. عامل راهیابی به هدایت های بیشتر و باز شدن تمام گره ها

انسان جهادگر همیشه درصدد افزایش آگاهی‌های تخصصی و الهی خود است و این معنویت است که این روحیه را تقویت می‌کند؛ هم‌چنان که قرآن می‌فرماید:

وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ (محمد(۴۷): ۱۷)

«و[الی] آنان که به هدایت گراییدند [خدا] آنان را هرچه بیش‌تر هدایت بخشید و [توفیق] پرهیزگاری‌شان داد».

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ (عنکبوت(۲۹): ۶۹)

«و کسانی که در راه ما کوشیده‌اند، به یقین راه‌های خود را بر آنان می‌نماییم و در حقیقت خدا با نیکوکاران است».

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (انفال: ۸: ۲۹).

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر از خدا پروا دارید برای شما [نیروی] تشخیص [حق از باطل] قرار می‌دهد و گناهانتان را از شما می‌زداید و شما را می‌آمزد و خدا دارای بخشش بزرگ است.»

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ (محمد: ۴۷: ۷).

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر خدا را یاری کنید، یاریتان می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد.»

قَتَلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبِّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا (نوح: ۷۱: ۱۰ و ۱۲).

«و گفتم از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او همواره آمرزنده است * [تا] بر شما از آسمان باران پی در پی فرستد.»

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله درباره امداد در پرتو معنویت و استغفار می‌فرماید:

«کسی که فراوان استغفار کند، خدا برای او از هر مشکلی راه علاج و برای هر تنگنا، راه نجات قرار می‌دهد و او را از جایی که گمان ندارد، روزی می‌رساند» (بحارالانوار، بی‌تا: ج ۹۳ / ۲۸۴).

امام علی علیه السلام نیز می‌فرماید:

«خداوند سبحان، استغفار را سبب فزونی و رحمت خلق قرار داده و فرمود: از پروردگارتان طلب آمرزش کنید که او بسیار آمرزنده است، باران پر برکت آسمان را بر شما می‌فرستد» (نهج-البلاغه، خطبه ۱۴۳).

بنابراین تداوم بارش نعم الهی بر بندگان، در پرتو معنویت و روحیه‌ی جهادی حاصل می‌شود و نقش معنویت انکارناپذیر است و باعث بازشدن تمام گره‌ها می‌گردد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ الْجِهَادَ وَعَظَّمَهُ وَجَعَلَهُ نَصْرَهُ وَنَاصِرَهُ. وَاللَّهُ مَا صَلَحَتْ دُنْيَا وَوَلَادِينُ إِلَّا بِهِ؛ (وسائل الشیعه، بی‌تا: ج ۱۱ / ص ۹، ح ۱۵).

«در حقیقت خداوند جهاد را واجب گردانید و آن را بزرگ داشت و مایه پیروزی و یاور خود قرارش داد. به خدا سوگند کار دنیا و دین جز با جهاد درست نمی‌شود.»

خداوند متعال لطف و عنایت خاصی به جمع‌های متشکل در راه نیکوکاری و جهادی عنایت می‌کند و این ویژگی متعلق به افرادی که در یک گروه و با یک روحیه‌ی مشترک به کار اشتغال دارند

این است که احساس یگانگی، انسجام و با روحیه و پشتکار بالا پیدا می‌کنند. افراد حاضر در این گروه خود را به‌عنوان یک موجودیت واجد هستی تلقی می‌کنند و خود را با این مجموعه همانند می‌سازند و در مورد افرادی که به تنهایی کار می‌کنند، یک چنین همانندسازی وجود ندارد. مقام معظم رهبری مدظله العالی در این باره می‌فرماید:

«دچار شدن به تنبلی و بی‌روحیگی، دچار شدن به کم‌کاری، دچار شدن به یأس و ناامیدی، تصور این که ما نمی‌توانیم، تصور این که تا حالا نتوانستیم؛ نه‌خبر همان‌طور که امام فرمودند ما می‌توانیم، باید عزم داشته باشیم، عزم ملی و مدیریت جهادی می‌تواند همه‌ی این گره‌ها را باز کند» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۳/۰۳/۴).

بنابراین، روحیه جهادی همراه با کار دسته‌جمعی تمام گره‌ها و مشکلات موجود در جامعه را حل می‌کند.

۳-۵. باعث تقویت دادرسی به تمام مسلمانان عالم

کمک به مظلومان عالم به‌عنوان یک وظیفه اسلامی، از ویژگی‌های روحیه جهادی است و کسانی که ایمان کامل و اعتقاد به مبداء و معاد داشته باشند، این روحیه را تقویت می‌کنند و سبب دادرسی به آنان می‌شود؛ هم‌چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

مَنْ سَمِعَ رَجُلًا ينادي يَا لِمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُحِبِّهُ بِمُسْلِمٍ (طوسی، ۱۴۰۱ق: ج ۲/ ۱۷۵).

«کسی که ندای مردی را بشنود که مسلمانان را به دادرسی می‌خواند و او را پاسخ ندهد، مسلمان نیست».

مؤمنان گاه به دلیل ظرفیت خود به حل مشکلات کلان جامعه اسلامی در ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی می‌پردازند و مسئولیت جامعه را به‌عهده می‌گیرند و از کارگزاران نظام اسلامی می‌شوند و گاه در حد خود به رفع مشکلات فردی و جزئی مسلمانان می‌پردازند و از اجر معنوی فراوانی برخوردار می‌شوند. البته اهتمام به امر مسلمین، بعد جهانی نیز دارد و آن رسیدگی به وضع مسلمانانی است که در خارج از محدوده‌ی حکومت اسلامی زندگی می‌کنند و چون از ناحیه‌ی ظالمان و مستکبران مورد فشار می‌باشند، انسان‌های معنوی و با ایمان وظیفه‌ی خود می‌دانند که به فریادرسی آنان بشتابند و از راه‌های ممکن به مدد آنان قیام کنند.

۴-۵. عامل وحدت وهمبستگی و انسجام ملی

یکی دیگر از کارکردهای معنویت در جامعه، ایجاد وحدت و حفظ انسجام اجتماعی است. شکی نیست که وحدت عامل پیروزی و تفرقه همواره از عوامل شکست است؛ فلذا خداوند در آیه ۱۵۲ سوره آل عمران با اشاره به پیروزی اولیه و شکست بعدی مسلمانان در جنگ احد، قوت ایمان و

وحدت مسلمانان را علت پیروزی اولیه آنان و سستی ایمان و تفرقه و اختلاف را عامل شکست بعدی آنان معرفی فرمود:

«وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعِدَّهُ إِذْ تَحْسُونَهُمْ بِإِذْنِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ مَا تَحْسَبُونَ...» (آل عمران (۳): ۱۵۲).

و در آیه‌های ۴۵ و ۴۶ سوره انفال نیز فرمود:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ * وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (انفال (۸): ۴۵ و ۴۶).

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید چون با گروهی برخورد می‌کنید پایداری ورزید و خدا را بسیار یاد کنید؛ باشد که رستگار شوید. * و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با هم نزاع مکنید که سست شوید و مهابت شما از بین برود و صبر کنید که خدا با شکیبایان است.»

بنابراین معنویت و روحیه‌ی جهادی و وجود انگیزه‌های دینی و معنوی در ایجاد وحدت و یکپارچگی پایدار، نقش غیرقابل انکار و بی‌بدیل را خواهد داشت. بنابراین در جامعه‌ی اسلامی، «اخوت دینی»، عامل همبستگی اجتماعی است. اخوت دینی از اکسیر معنویت زاده می‌شود و سبب افزایش روحیه‌ی جهادی می‌گردد. هم‌چنان که امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ بَنُو أَبِي وَ أُمِّ و إِذَا ضَرَبَ عَلَى رَجُلٍ مِنْهُمْ عِرْقٌ سَهَرَهُ لَهُ الْآخِرُونَ (الکافی، ج ۲ / ۱۶۵).

«مؤمنان، با یکدیگر برادر (دینی) اند، و همگی همانند فرزندان یک پدر و مادر و چون رگ یکی از آنان زده شود «مصیبتی بر او وارد شود» دیگران در غم او خوابشان نبرد.»

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۵-۵. افزایش پویایی گروهی

حضرت علی علیه السلام در بخشی از خطبه یکصد و بیست و هفت می‌فرماید:

وَالزُّمُورُ السَّوَادُ الْأَعْظَمُ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ (ترجمه گویا و شرح فشرده‌ی نهج البلاغه، ج ۲ / ۱۲۰).

«و همواره همراه بزرگ‌ترین جمعیت‌ها-اکثریت طرفدار حق- باشید که دست خدا با جمعیت است.»

معنویت و روحیه جهادی، عامل تأثیرپذیری اعضای گروه از همدیگر و تأثیرگذاری اعضا بر همدیگر، پیوستگی و پیوند اعضای گروه را موجب می‌شود. هرچند که پیوستگی درون گروهی نمی-

تواند نتیجه‌ای کاملاً مثبت عاید کند و موجبات سازگاری کامل اعضا را فراهم نماید؛ ولی هر آینه درجه‌ی تفاهم پیوند بین اعضای گروه در سطح بالایی نباشد، گروه در هم می‌ریزد. روی این اصل، استمرار پیوستگی، موجبات پویایی گروهی را فراهم می‌سازد. پس می‌توان گفت که پویایی گروهی، حرکتی است که بر اثر پیوستگی ناشی از تأثیر و تأثیرات متقابل اعضای گروه به‌وجود می‌آید و موجب استمرار حیات گروه می‌شود و عوامل پویایی گروهی نیز در قالب معنویت و روحیه‌ی جهادی ظاهر می‌شود. حضرت علی^{علیه السلام} در بخشی از خطبه‌ی بیست و پنجم می‌فرماید:

... بِاجْتِمَاعِهِمْ وَتَفَرُّقِكُمْ عَنْ حَقِّكُمْ... (نهج البلاغه، خطبه‌ی ۲۵).

«خبری به من رسیده است که «بسر بن ارطاة» مشرف به یمن گشته است. سوگند به خدا، من اطمینان دارم که آنان به همین زودی دولت را از شما خواهند گرفت. این تسلط به جهت اجتماع و تشکل آنان در باطلشان و پراکندگی شما از حقتان می‌باشد. این تسلط به جهت نافرمانی است که شما درباره‌ی پیشوایتان در باطل دارند و ادای امانتی که به صاحب خود می‌نمایند و خیانتی که شما به صاحبتان روا می‌دارید و به جهت اصلاح و تنظیم امور که آنان در شهرهای خود به‌وجود می‌آورند و فسادی که شما در شهرهایتان به راه می‌اندازید.»

در این خطبه امیرالمؤمنین^{علیه السلام} با نظر به مختصات تشکل اجتماعی، پیروزی دشمن خود را به طور دقیق چنین بیان می‌کند:

۱- آنان در هدف‌گیری باطلی که دنبالش افتاده‌اند، اجتماع و تشکل دارند. در صورتی که شما با این‌که هدف منطقی و حق را در پیش دارید، پراکنده و گسیخته هستید.

۲- آنان پیشوای خود را با این‌که هدفی باطل و ضد حق دارد. اطاعت می‌کنند و با این اطاعت زمینه‌ی مدیریت تشکل او را فراهم می‌کنند؛ شما پیشوای خود را با این‌که هدف منطقی و حق را دنبال می‌کنند، نافرمانی نموده و از مدیریت او تمرد می‌کنید.

۳- آنان در برابر پیشوای خود عمل به تعهد می‌نمایند، اگرچه پیشوای ایشان ضد بشر و هدفش ضد حق است و تعهد او با تعهد برای تقویت ضد بشر در راه رسیدن به هدفی ضد حق باشد، ولی شما در برابر پیشوایان که انسان اعلی است و هدفش حق و تعهد و تقویت اصول عالی انسانیت است، تعهد را می‌شکنید و خیانت می‌ورزید.

۴- آنان با آن هدف وقیح و با آن پیشوای بی‌شرم دست به تنظیم و اصلاح شهرها و محیط زندگیشان برده و تکاپو می‌کنند، شما با آن هدف عالی و با پیشوای حق و حق پرست، دست به فساد و ویرانگری شهر و محیط زندگیتان برده و کارشکنی و اخلاص‌گری به راه می‌اندازید!

نکته بسیار جالب که در تشکل و هماهنگی انسان‌ها در راه بوجود آوردن نیکی‌ها و خیرات وجود دارد. افزایش نیرو و نشاط و انبساطی است که در جدایی‌ها دیده نمی‌شود. به عبارت دیگر تجربه شده

است که اگر کسی به تنهایی در راه خیر و نیکی تکاپو کند، کم‌نشاط‌تر و ناتوان‌تر از موقعی است که در میان جمع هماهنگ شده تلاش می‌نماید. خداوند متعال لطف و عنایت خاصی به جمع‌های متشکل در راه نیکوکاری و تقوی عنایت می‌فرماید؛ چنان‌که پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

الْجَمَاعَةُ رَحْمَةٌ وَالْفُرْقَةُ عَذَابٌ (نهج الفصاحه، حدیث ۱۳۲۳).

«وحدت مایه رحمت، و تفرقه موجب عذاب است.»

يَدَّ اللَّهُ مَعَ الْجَمَاعَةِ (نهج الفصاحه، ص ۴۵).

«دست خداوند با جمعیت متشکل است.»

یک ویژگی نهایی متعلق به افرادی که در یک گروه به کار اشتغال دارند، این است که احساس از یگانگی و انسجام پیدا می‌کنند. گروه را به‌عنوان یک موجودیت واجد هستی تلقی می‌کنند و خود را با این مجموعه همانند می‌سازند، در مورد افرادی که به‌تنهایی کار می‌کنند یک چنین همانند-سازی وجود ندارد (ترنس آر. ۱۳۷۳).

۶-۵. باعث افزایش عزت و اقتدار جامعه

خداوند سرچشمه‌ی همه‌ی کمالات و خوبی‌ها از جمله عزت، اقتدار و شوکت است:

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا اِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ اُولَئِكَ هُوَ يَبُورُ (فاطر (۳۵): ۱۰).

«هر کس سربلندی می‌خواهد سربلندی یکسره از آن خداست سخنان پاکیزه به سوی او بالا می‌رود و کار شایسته به آن رفعت می‌بخشد و کسانی که با حيله و مکر کارهای بد می‌کنند عذابی سخت خواهند داشت و نیرنگشان خود تباه می‌گردد.»

هرچه پیوند معنوی آدمیان با خدا بیش‌تر و محکم‌تر باشد، یعنی جامعه انسانی از معنویت بیش‌تری برخوردار باشد، از عزت و سربلندی بیش‌تری نیز بهره‌مند خواهد بود. آیه دیگری، عزت را منحصر به خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان دانسته، می‌فرماید:

يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ (منافقون (۶۳): ۸).

«می‌گویند اگر به مدینه برگردیم قطعاً آن که عزتمندتر است آن زبون‌تر را از آن‌جا بیرون خواهد کرد [ولی] عزت از آن خدا و از آن پیامبر او و از آن مؤمنان است لیکن این دورویان نمی‌دانند.»

دلیل آن این است که همه ملک و فرمانروایی و عالم و آدم، آفریده و ملک خداست و طبیعی است که هر که بخواهد عزت و سربلندی و به هر که بخواهد ذلت و سرافکنندگی می‌دهد و مؤمنان با معنویت در گروه نخست قرار می‌گیرند:

قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ
يَبْدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (آل عمران: ۳: ۲۶).

«بگو بار خدایا تویی که فرمانفرمایی هر آن کس را که خواهی فرمانروایی بخشی و از هر که خواهی فرمانروایی را باز ستانی و هر که را خواهی عزت بخشی و هر که را خواهی خوار گردانی. همه‌ی خوبی‌ها به دست توست و تو بر هر چیز توانایی.»

همان طور که منافقان و کافران که فاقد معنویت هستند در گروه دوم جای دارند و خداوند درباره‌ی آن‌ها می‌فرماید:

بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا * الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَلْيَتُهُمْ
عِنْدَهُمُ الْعِزَّةُ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا (نساء: ۴: ۱۳۸ و ۱۳۹).

«به منافقان خبر ده که عذابی دردناک [در پیش] خواهند داشت * همانان که غیر از مؤمنان کافران را دوستان [خود] می‌گیرند آیا سربلندی را نزد آنان می‌جویند [این خیالی خام است] چرا که عزت همه از آن خداست.»

بنابراین؛ عزت و اقتدار واقعی و سرفرازی تنها از جانب خداست و جامعه مؤمن و با معنویت از آن بهره‌مند خواهد بود. منافقان و کافران هر چند خود را با شوکت و قدرت بپندارند، هرگز از عزت و سرفرازی برخوردار نخواهند بود.

۷-۵. عامل حضور و مشارکت فعال در همه‌ی شئون زندگی

معنویت واقعی و روحیه‌ی جهادی، مسئولیت‌آور است و مؤمن را موظف به انجام وظایف فردی و اجتماعی خود می‌کند، به‌ویژه در مواردی که حتماً باید کار دسته‌جمعی باشد؛ مانند انتخابات، مقابله با تحریم اقتصادی و مسائل فرهنگی، علمی و ... که افراد یا گروه‌های کوچک از عهده‌ی آن برنمی‌آیند. قرآن مجید در این باره می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جَمِيعًا (نساء: ۴: ۷۱)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید [در برابر دشمن] آماده باشید و گروه گروه [به جهاد] بیرون روید یا به‌طور جمعی روانه شوید.»

در این آیه، حضور در صحنه، وظیفه مؤمنان محسوب شده و طبیعی است که مؤمن واقعی حتماً باید در راه خدا جهاد داشته باشد. حضور مجاهدانه در همه‌ی صحنه‌ها، دلیل روشنی بر تأثیر معنویت

بر حضور در صحنه است و تنها کسانی بدان اقدام خواهند کرد که به حیات طیبه و نورانیت و صفای باطنی رسیده باشند.

۵-۸. باعث پیروزی در مبارزه با دشمنان

نظر به این که سازمان‌ها و نهادهای رسمی نظام اسلامی، معتقد به جهان‌بینی اسلامی هستند، باور دارند که بر حق هستند و تردیدی نیست که در مبارزه حق و باطل، حق پیروز است:

وَإِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشُّوْكَه تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ (انفال: ۸)

«و [به یاد آورید] هنگامی را که خدا یکی از دو دسته کاروان تجارتنی قریش یا سپاه ابوسفیان را به شما وعده داد که از آن شما باشد و شما دوست داشتید که دسته بی‌سلاح برای شما باشد و [الی] خدا می‌خواست حق [اسلام] را با کلمات خود ثابت و کافران را ریشه کن کند».

سازمان خدا باور و با معنویت، اطمینان دارد که جبهه‌ی حق در هر شرایطی پیروز و سرافراز است و اگر در مقطعی ظاهراً شکست بخورد، باز هم پیروز است و اصولاً در جبهه‌ی حق، شکست هیچ مفهومی ندارد. قرآن مجید به حق‌مداران چنین سفارش می‌کند:

قُلْ هَلْ تَرَبُّصُونَ بِنَا إِيَّا إِحْدَى الْحُسَيْنِيْنَ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمْ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِّنْ عِنْدِهِ أَوْ بَأْيَدِنَا فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ (توبه: ۹)

«بگو آیا برای ما جز یکی از این دو نیکی را انتظار می‌برید در حالی که ما انتظار می‌کشیم که خدا از جانب خود یا به‌دست ما عذابی به شما برساند پس انتظار بکشید که ما هم با شما در انتظاریم».

چنین روحیه‌ای به‌طور قطع، سازمان را در فضای بالندگی و سرافرازی و پیروزی قرار می‌دهد و عفریت یأس و بدگمانی و شکست را از آن خارج می‌سازد. رهبر معظم انقلاب اسلامی مدظله العالی خطاب به یکی از سازمان‌ها می‌فرماید:

«آن‌چه که همیشه موفق است، حفظ معنویت‌هاست. ما در همه‌ی بخش‌ها بایستی نگذاریم که آن سطح معنویت جامعه پایین بیاید، یکی از بخش شماسست، مواظبت و مراقبت کنید. بدانید که چون این نظام مقدس در جهت حق حرکت می‌کند، خدای متعال پشتیبان خواهد بود» (حدیث ولایت، ج ۱ / ۷۸).

اسلام به امنیت و ضرورت تأمین آن، اهمیت بسیار فراوان داده است؛ تا جایی که یکی از ثمرات ایمان برای اهل آن را تأمین امنیت می‌داند. در منطق قرآن، «ایمان» و «ایمنی» یعنی اهمیت

داشتن، توأم هستند. به عبارت دیگر؛ انسان مؤمن و جامعه‌ی ایمانی در پرتو معنویت و روحیه‌ی جهادی خود امنیت می‌یابد و به آرامش می‌رسند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ (انعام: ۸۲).

«کسانی که ایمان آورده و ایمان خود را به شرک نیالوده‌اند آنان راست ایمنی و ایشان راه‌یافتگانند».

۵-۹. باعث تقویت قدرت اقتصادی

یکی دیگر از نقش‌های معنویت در تقویت روحیه‌ی جهادی، تأکید داشتن بر پیشرفت‌های اقتصادی است. در بسیاری از آیات قرآن به این موضوع اشاره شده است، مانند آیه‌های شریفه ذیل:

كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ (مدثر: ۷۴): (۳۸).

«هر کسی در گرو دستاورد خویش است».

وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى (نجم: ۵۳): (۳۹).

«و این که برای انسان جز حاصل تلاش او نیست».

هم‌چنین در بسیاری از آیات قرآن، بعد از ذکر ایمان، بر عمل صالح تکیه شده است تا همگان این خیال را از ذهن خود دور کنند که بدون سعی و تلاش می‌توان به جایی رسید. از دیدگاه قرآن کریم، کار و تلاش همراه با سود مادی و معنوی است، که سود مادی آن اشاره به پیشرفت‌هایی دارد که در حوزه‌ی اقتصادی محقق می‌شوند. خداوند در این رابطه می‌فرماید:

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ (فصلت: ۴۱): (۴۶).

«هر که کار شایسته کند به سود خود اوست و هر که بدی کند به زیان خود اوست و پروردگار تو به بندگان [خود] ستمکار نیست».

رهبر معظم انقلاب ^{مد ظله العالی} در خصوص رابطه‌ی روحیه جهادی و پیشرفت اقتصادی کشور می‌فرماید:

«اگر کشور عزیز ما بتواند در زمینه‌ی مسائل اقتصادی، یک حرکت جهادگونه‌ای انجام بدهد و این گام‌های بلند بعدی همراه کند، بلاشک برای کشور و پیشرفت کشور تأثیرات بسیار زیادی خواهد داشت» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۱/۸).

ایشان در ادامه به نقش اسلام در این پیشرفت اشاره نموده و می‌فرمایند:

«ما باید بتوانیم قدرت نظام اسلامی را در زمینه حل مشکلات اقتصادی به همه‌ی دنیا نشان دهیم؛ الگو را بر سر دست بگیریم تا ملت‌ها بتوانند ببینند که یک ملت، در سایه‌ی اسلام و با تعالیم اسلام چگونه می‌تواند پیشرفت کند» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۱/۸).

بنابراین قدرت اقتصادی؛ یعنی توانایی تولید محصولات مورد نیاز و مصرف مناسب ثروت‌های مادی در محیط ملی و امکان حضور در رقابت در صحنه‌ی بین‌المللی، کشوری از نظر اقتصادی پیشرفت می‌کند که از یک طرف از ثروت‌های خدا دادی و منابع طبیعی و ذخایر انرژی برخوردار باشد و از طرف دیگر، دارای «عملکرد ملی» مثبت در بهره‌برداری از این منابع و ذخایر باشد. چه بسا کشورهایی که از ثروت‌های خدادادی بسیار زیادی برخوردارند، ولی به دلیل عدم معنویت و روحیه جهادی، در زمره‌ی کشورهای عقب افتاده به حساب می‌آیند.

۵-۱۰. باعث تقویت قدرت علمی و تحول در تمام مقوله‌های علم

یک جامعه‌ی ایمانی و معنوی و با روحیه‌ی جهادی، به‌طور قطع یک جامعه‌ی علمی خواهد بود. «قدرت علمی»، حرف اول را در تولید «قدرت» در تمامی ابعاد آن می‌زند. علم، نقش مبنایی برای پیشرفت هر جامعه‌ای دارد. آیات فراوانی در قرآن کریم آمده است که به علم و عالم ارزش داده و جهل و نادانی را نکوهش کرده است. خداوند در قرآن به قلم و آن‌چه می‌نویسد سوگند یاد کرده و به انسان اسماء الهی را یاد داده است؛ اولین آیه‌ای که بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد، امر به خواندن بود. نزد خداوند تبارک و تعالی، کسانی که می‌دانند، مقام و رتبه‌ای متفاوت از کسانی که نمی‌دانند دارند:

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (زمر ۳۹: ۹).

«آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند».

روایات بسیاری به مقام علم و عالم اشاره داشته و طلب علم را برای مسلمانان امری واجب می‌داند؛ روایاتی چون:

مِدَادُ الْعُلَمَاءِ أَفْضَلُ مِنْ دِمَاءِ الشُّهَدَاءِ (تیجانی سماوی، ۱۳۷۴: ۹).

«مداد علما از خون شهیدان برتر است».

طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ (کلینی، بی‌تا: ج ۳۵/۱).

«تحصیل دانش بر هر مرد و زن مسلمانی واجب است».

اطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ (حر عاملی، بی‌تا: ج ۱۴/ ۱۸).

«دانش را فرا گیرید، اگرچه در چین باشد».

در اسلام، حرص و ولع در جمع‌آوری پول و ثروت نکوهش شده است، اما حرص و ولع یک مؤمن در طلب علم و کسب دانش امری پسندیده تلقی شده است. چنین طرز تفکری نسبت به علم و دانش در جامعه‌ی اسلامی و معنوی، ارتقاء و تقویت عملکرد ملی را در تولید «قدرت علمی» به دنبال خواهد داشت. روحیه‌ی جهادی و انقلابی، ضرورت تحول در تمام مقوله‌های علمی است؛ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:

أَقْرَبُ النَّاسِ مِنْ دَرَجَةِ النَّبِيِّ أَهْلُ الْجِهَادِ وَأَهْلُ الْعِلْمِ (کنز العمال، حدیث ۱۰۶۴۷).

«نزدیک‌ترین مردم به مقام نبوت، اهل جهاد و دانش‌اند.»

همان‌طور که از فرمایشات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برداشت می‌گردد، این روحیه‌ی جهادی و انقلابی است که باعث سرفرازی مسلمانان در تمام مقولات علمی می‌گردد بطوری که مقام معظم رهبری مدظله العالی می‌فرمایند:

«انقلاب؛ یعنی این که تحولی در همه چیز به وجود بیاید. یکی از آن تحولات هم، در مقوله‌ی علم در این کشور است. نگویید ما پول و بودجه نداریم. بله، خیلی کارها با پول انجام می‌گیرد؛ لیکن به‌نظر می‌رسد که کل دستگاه علم و دانش کشور، باید با یک دید انقلابی به مسئله نگاه کند؛ مثل آن کسی که فرزندش درون آب افتاده و دارد غرق می‌شود؛ مثل روحیه‌ی همان مبارزی که در دوران پیش از پیروزی انقلاب، هیچ چیز-نه زن، نه بچه، نه زندگی، نه خانه، نه راحتی- نمی‌فهمید و همه‌ی زندگیش مصروف این می‌شد که کاری انجام بدهد. دستگاه علمی کشور، باید برای این طور جلو برود و هر چیزی که مانع سر این راه است، حقیقتاً برطرف بشود. بنابراین در دانشگاه‌ها باید برای علم و تحقیق و تحقیق‌های کاربردی، کاری کرد و حرکتی انجام داد» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با وزیر و مسئولان وزارت فرهنگ و آموزش عالی و رؤسای دانشگاه‌ها؛ ۱۳۶۹/۰۵/۲۳).

علم، کلیدی که تمام درها را می‌گشاید و آن‌چه به روح انسان آرامش می‌بخشد همان علم است و دانش چون چراغ روشن است؛ اگرچه بسیار چراغ‌ها از او بر فروزند، هیچ نور از او کم نشود؛ بنابراین ثروت در دارا بودن خزاین و دقایق نیست، بلکه در دانستن علم و طرز استعمال آن است و برای رسیدن به قله‌های رفیع دانش و علم که حرف اول در جهان را می‌زند، همانا داشتن روحیه جهادی نیروهای مؤمن و متعهد در فراگیری علوم‌های مختلف می‌باشد.

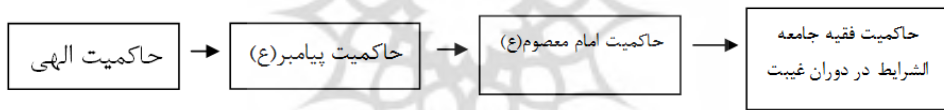
۵-۱۱. افزایش قدرت سیاسی

در فرهنگ مترقی اسلام، معنویت نه تنها جدای از سیاست نیست بلکه سنگ زیرین سیاست است و بدون آن، سیاست واقعی و ارزشمند شکل نمی‌گیرد. به‌همین دلیل حاکم از سوی خدا تعیین می‌شود و جانشین خدا در میان مردم است و اصلی‌ترین وظیفه‌ی او نیز ترویج و تقویت معنویت و روحیه‌ی جهادی است:

الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ
وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (حج: ۴۱).

«همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده وامی‌دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند و فرجام همه‌ی کارها از آن خداست».

موضوع امر به معروف و نهی از منکر، مجموعه کاملی است که ضمن تأکید بر همه‌ی نیکویی-های دینی و اخلاقی، از همه‌ی زشتی‌های عقلی و شرعی نیز باز می‌دارد که نتیجه‌ی آن، حاکمیت معنویت بر همه‌ی ابعاد جامعه‌ی انسانی است و «عدالت اجتماعی» به مفهوم واقعی کلمه، بخشی از آن محسوب می‌شود که زندگی بخش مردم است. قدرت سیاسی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های ملی در جامعه‌ی دینی و ایمانی، مشروعیت خود را از ناحیه‌ی خداوند؛ یعنی کانون اصلی «قدرت» در عالم هستی می‌گیرد. بنابراین بر اساس فرهنگ اسلامی و اعتقادات دینی، حاکمیت و فرمانروایی از آن خداوند است. لذا، قدرت سیاسی مشروع در یک کشور اسلامی، قدرتی خواهد بود که در طول قدرت و حاکمیت الهی قرارداد. درچنین جامعه‌ای، «معنویت سیاسی» حرف اول را می‌زند. بر اساس اندیشه‌ی سیاسی شیعه، حاکمیت الهی به‌صورت زیر اعمال می‌شود.



تصویر شماره پنج: اعمال حاکمیت الهی در اندیشه سیاسی شیعه

قدرت سیاسی مشروع در جامعه‌ی اسلامی که معنویت و روحیه‌ی جهادی بر آن حاکم باشد، به دلیل برخورداری از پشتوانه‌ی قدرت اجتماعی، بسیار توانمند خواهد بود. در چنین کشوری براساس فرهنگ اسلامی حاکم، وحدت ملی بر مبنای آموزه‌های دینی و ارزش‌های الهی شکل می‌گیرد و مردم بر اساس اعتقادات دینی با مشارکت بالای سیاسی، حاکمیت و دستگاه‌های حکومتی را حمایت می‌کنند. در جامعه سیاسی دینی، معنویت و روحیه جهادی از یک سو تولید قدرت سیاسی می‌کند و از سوی دیگر، قدرت سیاسی را کنترل می‌نماید. کنترل قدرت از انحراف و عامل فساد گشتن آن به وسیله معنویت، خود عامل تقویت قدرت سیاسی می‌گردد. در دوران غیبت بر اساس نظریه ولایت فقیه، حاکمیت الهی از طریق ولی فقیه مورد قبول مردم اعمال می‌شود. قدرت سیاسی با محوریت ولایت فقیه، کشور اسلامی را به دلیل هم‌سویی قدرت سیاسی با قدرت اجتماعی به یک کشور پر قدرت از نظر قدرت ملی تبدیل می‌کند. مهم‌ترین نقش معنویت و روحیه‌ی جهادی در افزایش قدرت سیاسی را در موارد ذیل می‌توان خلاصه کرد:

۱- هم‌سویی و هم‌هدفی قدرت سیاسی با قدرت اجتماعی برای تحقق حاکمیت الهی و اجرای شریعت و پیشبرد کشور اسلامی؛

۲- قدرت سیاسی منافع و مصالح عمومی مسلمین را در نظر می‌گیرد و برای تحقق آن تلاش می‌کند؛

۳- رهبران و دولت‌مردان خود را خادم مردم دانسته و کمک به مردم و حل مشکلات آنان را وظیفه الهی می‌دانند؛

۴- معنویت و روحیه جهادی عامل اصلی در جلوگیری از فساد در قدرت سیاسی می‌گردد؛

۵- تبعیت مردم از حاکمیت به‌ویژه ولایت فقیه براساس اعتقادات دینی، امری واجب است؛

۶- حاکم اسلام و دولتمردان در همه‌ی عرصه‌ها و به‌ویژه در هنگامه‌ی خطر در صف مقدم هستند؛

۷- براساس اصل پیوند دین و سیاست؛ مشارکت سیاسی یک وظیفه‌ی دینی تلقی شده و مردم در تمامی صحنه‌ها حضور می‌یابند و از حاکمیت دینی حمایت می‌کنند.

۵-۱۲. افزایش قدرت اجتماعی

یکی از نقش‌های معنویت در تقویت روحیه جهادی، تقویت شخصیت اجتماعی است، چراکه از جمله مهم‌ترین مواردی که با کار و تلاش، به ویژه تلاش توأم با روحیه جهادی محقق می‌شود، تقویت شخصیت اجتماعی افراد در جامعه است. با داشتن یک شغل و حرفه و تلاش در جهت امرار معاش خانواده، نگاه جامعه به فرد تغییر یافته و به نگاهی توأم با احترام تبدیل خواهد شد؛ در این خصوص خداوند متعال می‌فرماید:

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَيْتِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (اسراء: ۱۷)؛ (۷۰).

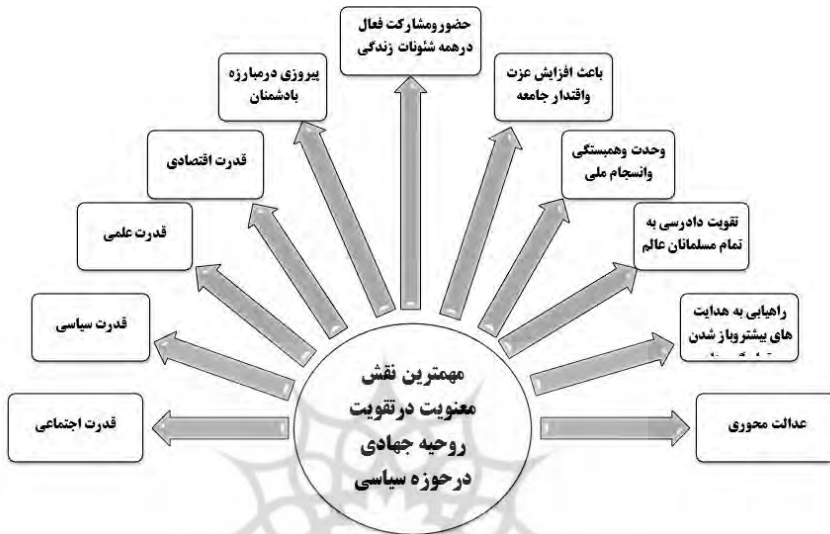
«و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکبها] برنشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم.»

این آیه نشان می‌دهد که خداوند برای تقویت شخصیت اجتماعی انسان‌ها و خوار نشدن آن‌ها در مقابل دیگران، اسباب کسب درآمد را در اختیار آنان قرار داده است. در این زمینه وظیفه‌ی ابناء بشر نیز آن است که جهت تحقق این کرامت به کار و تلاش پرداخته و روزی خود را از راه حلال کسب نماید. بنابراین از جمله ویژگی‌های انسان معنوی، مسئولیت‌پذیری است. سهل‌انگاری و مسامحه کاری، با طبیعت انسان معنوی، ناسازگار است. دایره‌ی مسئولیت‌پذیری انسان بسیار وسیع است. انسان

در مقابل خود، خانواده، جامعه، محیط و حق تعالی مسئول است. خداوند راه مسئولیت‌پذیری را برای همه‌ی مخلوق خویش هموار و آشکار ساخته است، آن‌جا که می‌فرماید:

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا... (فصلت (۴۱): ۴۶).

«هر که کار شایسته کند به سود خود اوست و هر که بدی کند به زیان خود اوست».



تصویر شماره شش: نقش معنویت در تقویت روحیه جهادی در حوزه سیاسی

۶. نتیجه‌گیری

نقش معنویت و روحیه جهادی در قرآن و روایات دارای محدوده وسیع و قلمرو جامع و کامل است و سرچشمه زندگی سعادت‌مند و ریشه فرهنگ و تمدن الهی- انسانی است و معنادهنده به همه‌ی ابعاد عبادی - اجتماعی و حیات فردی و جمعی است، معنویت و روحیه جهادی براساس آیات و روایات پویا، کارآمد، رشددهنده، خلاقیت‌زا و مولد خواهد بود و در هیچ ساختی انسان را تنها نمی‌گذارد و رها نمی‌کند. معنویت و روحیه جهادی امیدبخش، حررات آفرین و جاری و ساری در همه‌ی جنبه‌های حیات انسانی است.

معنویت و روحیه جهادی تکامل دهنده و وادارنده انسان به توسعه‌ی همه‌جانبه و تعالی وجودی است و اصالت را به بُعد غیبی عالم و آدم و جهان و انسان می‌دهد و همه‌ی استعدادهای عقلانی، نفسانی و جسمانی انسان را تحت پرورش و تربیت خویش درمی‌آورد. لذا در نبردهای جهان مدرن اصالت از آن معنویت و روحیه جهادی است که توأم با عقلانیت دینی و ابزار باشد و دین و دانش، علم و ایمان، عقل و اراده و عشق و ایثار، آزادی و آزادی را قرین هم سازد. امیداست که بشریت

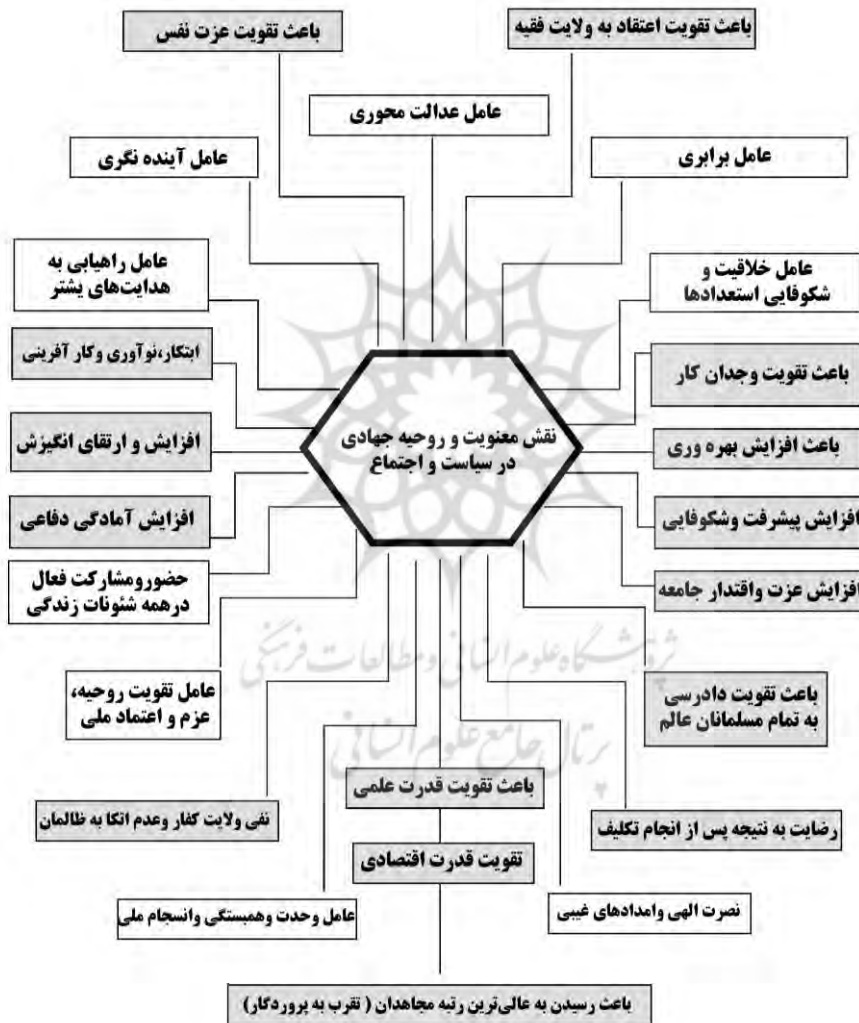
بحران‌زده عصر جدید و جوینده روزگار وصل خویش به معنویت جامع و روحیه جهادی کامل قرآنی و روایی بازگردد. بنابراین هر جا که مدیر معنوی مسئولیت را به دست بگیرد:

۱- کارها با پیشرفت و شکوفایی چشم‌گیری همراه خواهد شد.

۲- کارها با کارآمدی و بهره‌وری بالا همراه خواهد بود.

۳- کارها به نتیجه شگفت‌انگیزی دست خواهد یافت.

۴- کارها با ابتکار، نوآوری و کارآفرینی همراه خواهد بود.



تصویر شماره هفت: نقش معنویت و روحیه جهادی در سیاست و اجتماع

براساس این نتایج، این پیشنهادات ذیل را ارائه می‌نمایم:

- ≠ در انتخاب مدیران سیاسی روحیه جهادی جزء شایسته‌سالاری باشد.
- ≠ روحیه جهادی جزء یکی از سنجه‌های مهم شایستگی مدیران جهت ارتقاء قرارگیرد.
- ≠ در ارزیابی‌های مدیران سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، معنویت و روحیه جهادی ملاک ارزشیابی قرارگیرد.
- ≠ در حوزه سرفصل آموزشی قرارگیرد.
- ≠ نقش معنویت در مدیران مملکتی باید روز به روز افزایش یابد تا به بدنه حکومت و کارآمدی آن بیافزاید.
- ≠ باتوجه به این‌که ایران اسلامی وسایر کشورهای مسلمان در معرض دشمنی‌های استکبار جهانی و تحریم‌های اقتصادی، تهاجمات فرهنگی و تهدید بسیاری از این قبیل قراردارند، لذا، با بالابردن روحیه‌ی جهادی و معنوی خود می‌توانند نقش عمده‌ای در سرکوبی دشمنان ایفاکنند.



منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

- الهامی نیا، علی اصغر (۱۳۹۰). **معنویت اسلامی**. قم: انتشارات زمزم هدایت.
- امامی، محمد جعفر؛ محمد رضا آشتیانی (۱۳۷۵). **ترجمه گویا و شرح فشرده نهج البلاغه**. ج ۲ و ۳. قم: نشر مدرسه امام علی بن ابیطالب علیه السلام.
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جهادگران دانشگاهی، ۱۳۹۳/۰۳/۱۹.
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با وزیر و مسئولان وزارت فرهنگ و آموزش عالی و رؤسای دانشگاه‌ها، ۱۳۶۹/۰۵/۲۳.
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۳/۰۳/۴.
- بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۱/۸.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). **نهج الفصاحه**. تهران: دنیای دانش.
- ترنس آر. میچل (۱۳۷۳). «مردم در سازمان‌ها (زمینه‌ی رفتار سازمانی)»، ترجمه حسین شکرکن، تهران: **مجله رشد**، شماره ۴۹.
- تیجانی سماوی، محمد (۱۳۷۴ ه.ش.). **الشیعه هم اهل السنه**. قم: مؤسسه انصاریان.
- حر عاملی، محمد (۱۴۰۹ ه.ق.). **وسائل الشیعه**. ج ۱۱، ج ۱۷ و ج ۱۸، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۰). **حدیث ولایت: مجموعه سخنان مقام معظم رهبری**. ج ۱، تهران: انتشارات حدیث ولایت.
- خوانساری، جمال الدین محمد (۱۳۴۶). **شرح غررالحکم**. تصحیح میرجلال الدین حسینی ارمومی، ج ۴، تهران: دانشگاه تهران.
- شرح ابن ابی الحدید**، ج ۷.
- صحیفه امام**، ج ۱۵.
- طوسی، محمدحسن (۱۴۰۱ ه.ق.). **تهذیب الاحکام**. ج ۲، بیروت: داراصعب و دارالتعارف.
- عقیقی بخشایشی (بی تا). **چهارده نور پاک**. ج ۱۴، بی جا: بی نا.
- کلینی، محمد بن یعقوب (بی تا). **اصول کافی**. ترجمه سید جواد مصطفوی، ج ۱، قم: علمیه اسلامیّه.
- کنز العمال**.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ه.ق.). **بحار الانوار**. ج ۹۳، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مسجد انگجی تبریز (۱۴۱۳ ه.ق.). **مقالات و گفتارها**. بی جا: بی نا.
- مصباح یزدی، محمدتقی (بی تا). **پرسش‌ها و پاسخ‌ها**. ج ۳، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمت الله علیه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۳). **حکمت‌ها و اندرزها**. قم: انتشارات صدرا.
- نورانی، مصطفی (بی تا). **طب اسلامی**.



پیشہ ورانہ تعلیم کا علم و مطالعات سے تعلق
پیشہ ورانہ تعلیم کا علم و مطالعات سے تعلق